

ترجمه قرآن مجید همگام با رویکرد جامعه به فهم معارف و مفاهیم اسلامی از اقبالی نو برخوردار شده است، تا جایی که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی و در دو دهه اخیر بیش از ده ترجمه نو به بازار عرضه شده که هر کدام دارای ویژگی خاصی است. عظمت کار ترجمه قرآن همه را معترف ساخته که تعداد ترجمه‌ها هر چه بیشتر هم بشود هنوز جای کار باقی است گرچه از تجربیات گذشته استفاده شود و یا ترجمه‌ها با نظارت و اصلاح و ویرایش دیگران انجام پذیرد.

بحث ترجمه جمعی قرآن مجید که در آن از تخصص‌ها و فنون مختلف قرآنی بهره گرفته می‌شود، مدتی است که در بین قرآن دوستان و علاقه‌مندان به فهم معارف قرآنی قوت گرفته است. ترجمان وحی که خود را بستری برای انتقال اطلاعات در این زمینه و سامان دادن آراء صائب می‌داند، در صدد برآمد تا با طرح سؤالاتی نظر کسانی را که در این میدان تلاشی داشته‌اند جویا شود.

از این رو سؤال‌هایی طرح کرد و برای عده‌ای از اساتید ارسال داشت که با بزرگواری به آنها پاسخ گفتند. نظر خوانندگان محترم را به پاسخ آنان جلب می‌کنیم.

این سؤال‌ها برای آیه الله مکارم شیرازی و استاد احمد آرام نیز ارسال شده بود، که استاد احمد آرام به خارج از کشور سفر کرده بودند؛ پاسخ آیه الله مکارم شیرازی هم تا زمان چاپ مجله دریافت نشده است.

ترجمان وحی

طرح ترجمه جمعی قرآن مجید

مرکز ترجمه قرآن

□ تا کنون، به ویژه در سال‌های اخیر، ترجمه‌های فراوانی از قرآن مجید به فارسی انجام شده است که هر کدام شیوه خاصی برای خود برگزیده‌اند. به نظر شما ترجمه‌های موجود تا چه حد موفق بوده‌اند و آیا با وجود این ترجمه‌ها نیازی هست که مجدداً به ترجمه جدیدی از قرآن مجید اقدام شود؟

○ آیه الله معرفت

● ترجمه فارسی قرآن آن قدر فراوان است که دیگر نیازی به ترجمه مجدد فارسی نیست. و اگر احیاناً در بهترین آنها برخی اشتباهات هست همان‌ها را گوشزد کنند تا رفع شود، کافی است.

○ آقای خرمشاهی

● بنده به عنوان قرآن پژوه و مترجم قرآن کریم به فارسی، که با اغلب ترجمه‌های قرآن کریم، چه قدیمی، چه جدید و معاصر، انس بسیار دارم و بر شش - هفت ترجمه معاصر (از جمله ترجمه آقایان خواجه‌سوی، آیتی، جلال‌الدین فارسی، مرحوم الهی قمشه‌ای، آقای فولادوند و بهبودی) نقد نوشته‌ام، اعتقاد دارم که ترجمه قرآن در عصر جدید به ویژه در ایام بعد از انقلاب اسلامی بسیار بهتر و دقیق‌تر از ترجمه‌های قدیم است. ترجمه‌های قدیم قرآن کریم با آن که هر یک دُزِی یکتا و گنجی بیش بهاست، باز تعارف به کنار، اغلب دارای دو سه کمبود و حتی کژی و کاستی است. مهم‌ترین کمبود ترجمه قدما این است که از نظر صناعت کلی و عمومی ترجمه سر راست نیست؛ یعنی غالباً نحو جملات فارسی متأثر از نحو جملات عربی و مقدس قرآن کریم است؛ یعنی غالباً فعل‌ها در اول جمله می‌آید، حال آن که باید در آخر جمله بیاید. و نظیر این اشکالات. دیگر این که در حدود هزار سال، از قرن سوم - چهارم (عصر ترجمه قرآن قدس، و ترجمه تفسیر طبری) تا کنون، ترجمه‌های قرآن تقریباً همگی به شیوه تحت اللفظی بوده است. در حالی که ترجمه‌های معاصر این دو ایراد اساسی را ندارد و ولو آن که عیب و ایرادهایی از نظر انتخاب مفردات یا ترکیبات، یا ضعف دقت آرمانی و کمال مطلوب، داشته باشد.

اما با آن که اصولاً بر اثر تحول و تکامل فنی و فرهنگی علی‌العموم ترجمه‌های معاصر از ترجمه‌های کهن رساتر و فارسی‌وارتر و غیر تحت اللفظی‌تر و در یک کلام خوانا و

خوشخوان تر است، باز نه مجموع آنها و نه یکایک و هر یک از آنها، کلام آخر در ترجمه قرآن نیست. و این رشته سر دراز دارد. زیرا ترجمه‌های معاصر ولو آن که در مجموع خوشخوان تر از ترجمه‌های کهن است، اما هر یک از آنها عیب و ایراد و کمبود و کژی و کاستی‌های کم یا زیاد خود را دارد. آفت عمومی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، کمبود دقت عالی و آرمانی است. منظور از دقت عالی و آرمانی دقتی است برابر با ۱۰۰ روی ۱۰۰ یعنی نکاستن یک واو در ترجمه و نیفزودن یک واو. و دخالت ندادن عنصر تفسیری — تا چه رسد به آب و انشای افزوده مترجم — در ترجمه.

بعضی از ترجمه‌های معاصر دارای اغلاط علمی و زبانی بسیار است، از جمله ترجمه خوش نثر شادروانان پاینده و قمشه‌ای، و نیز ترجمه استاد محمدباقر بهبودی.

اما بهترین ترجمه‌های معاصر (ترجمه رهنما، آیتی، خواجوی، مجتبی و فولادوند) هم اگر چه نسبت به سایر ترجمه‌ها دقیق تر و امین تر و بسیار خوشخوان تر هستند، باز به طور کلی پاک و پیراسته از هر عیب و ایراد یا برخوردار از دقت صددرصد نیستند.

همین است که هر یک از این مترجمان برجسته که ترجمه‌شان از استقبال عام و خاص برخوردار شده و به تجدید چاپ رسیده، در حد و وسع خود در رفع اغلاط یا کمبودهای علمی یا زبانی - ادبی کوشیده‌اند. چنان که استاد آیتی ترجمه خود را پس از چاپ اول، ویرایش جدی کرده‌اند. همین طور استاد مجتبی ترجمه خود را پس از چاپ اول، با آن که از ویراستاری یکی از برجسته‌ترین ویراستاران و قرآن پژوهان معاصر (آقای حسین استاد ولی) برخوردار بود، از نو و با صرف وقت و دقت بسیار ویرایش کرده‌اند که البته هنوز انتشار نیافته است. ترجمه جناب فولادوند از ویراستاری دو سه ساله یک گروه ویراستار متشکل از افاضل طلاب حوزه علمی قم برخوردار بود. و بنده آخرین (و به گمانم ششمین) ویراستار آن بودم. این ترجمه کم نظیر به شهادت نقدهایی که بر آن نوشته شده و در دست نگارش هم هست، باز نیاز به ویرایش دارد. آقای ابوالقاسم امامی که ایشان هم ترجمه خوب و ارزشمندی از قرآن کریم عرضه داشته‌اند، برای چاپ دوم ترجمه خود را ویراسته‌اند که گویا هنوز انتشار نیافته است. جناب کاظم پورجوادی که ترجمه‌ای بسیار روان و خوشخوان عرضه داشته‌اند، و ترجمه‌شان را برای چاپ اول این بنده و جناب آقای مصطفی حسینی طباطبایی ویرایش کرده‌ام، باز انصافاً نیاز به بازنگری و ویرایش مجدد دارد. ترجمه این جناب از قرآن کریم، دو ویراستار داشت که آن را به دقت برای چاپ اول (قطع رحلی)

ویرایش کرده بودند. ولی پس از انتشار و نایابی چاپ اول، این جانب مصرّاً از همان دو ویراستار قرآن پژوه فاضل (آقایان مسعود انصاری و مرتضی کریمی‌نیا) درخواست کردم که بار دیگر با فرصت وسیع‌تر ترجمه بنده را ویرایش کنند که از راه لطف و عشق به قرآن، این کار را تقبل فرمودند و بار دیگر ترجمه مرا هر یک مستقل از دیگری، ویرایش کردند. خود نیز برای بار چندم ترجمه‌ام را ویرایش نهایی کردم که این بار در قطع وزیری (با حذف موقت پانویس‌ها و پیوست‌ها) از سوی همان ناشران (نیلوفر و جامی) زیر چاپ و نزدیک به انتشار است که ان شاء الله همزمان با نشر نشریه شما، و پیش از ماه مبارک رمضان انتشار خواهد یافت. آری به قول معروف «الدرّسُ حرّفٌ والتکرارُ الف» و نهضت ترجمه و ویراستاری ترجمه همچنان با شور و حرارت زاید الوصفی در جامعه قرآن‌گرای امروز ما ادامه دارد.

اما چون همه چیز را همگان دانند و برای ترجمه قرآن نیاز به دانستن ده‌ها علم و فن هست که یک فرد نمی‌تواند در همه آنها منتهی باشد، این بنده در مؤخره‌ای که بر ترجمه خود از قرآن کریم نوشتم، طرح ترجمه دسته جمعی قرآن را برای اولین بار مطرح ساختم، که به عنوان مقاله مستقل هم در نشریه حوزه و دانشگاه (شماره ۵) به طبع رسید، و اگر صلاح بدانید می‌توان نظر به اهمیت مسأله (و نه اهمیت مقاله بنده) آن را در همین نشریه حاضر هم تجدید طبع کرد.

از ده - بیست علم و فنی که باید مترجم قرآن به هر زبانی و به فارسی بداند، هر یک نیاز به ممارست و آموزش و تحقیق مادام‌العمر دارد. از واژه‌شناسی و مفردات و غریب‌القرآن گرفته تا تفسیر، و یکایک علوم قرآنی. لذا چاره جز تجزّی در اجتهاد قرآنی نیست. هر فرد حداکثر می‌تواند در هر یک از علوم و فنون قرآنی با سال‌ها تحقیق و مطالعه، به صورت مجتهد متجزّی، یعنی متخصص صاحب نظر در یک فن یا یک رشته درآید. بنده در آن مقاله ۲۲ گروه تخصصی و علمی - فنی پیشنهاد کرده‌ام برای ۲۲ علم و فن.

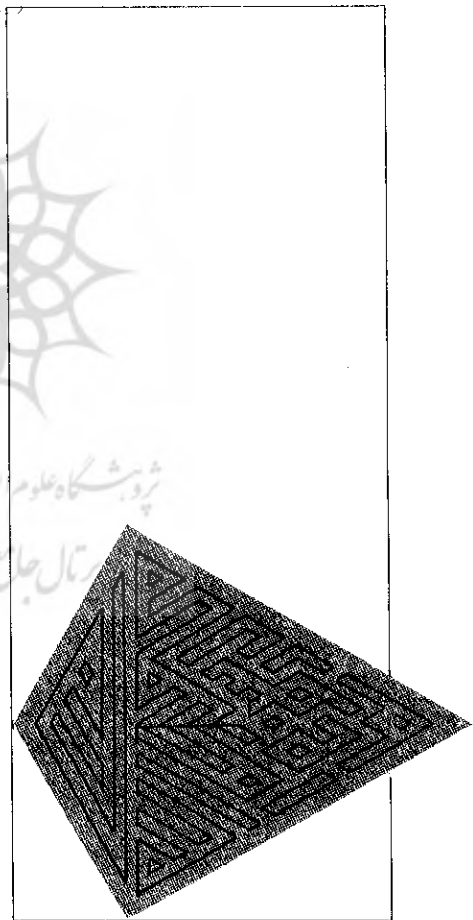
○ آقای آذرنوش

● پس از عرض ارادت، در پاسخ به پرسشنامه مورخ ۱۳۷۵/۸/۱۳ به عرض می‌رساند: چند روز پیش کتابی از بنده درباره ترجمه‌های فارسی قرآن کریم منتشر شد که در آن کوشیده‌ام عکس العمل مترجمان را در مقابل نص مقدس، ساختارهایی را که عرضه کرده‌اند، واژگانی را که برگزیده‌اند، هنری را که در بازگرداندن حال و هوای قرآنی به خرج داده‌اند و مسائل دیگری از این قبیل را بررسی نمایم. در اثنای تحقیقات خود آشکارا می‌دیدم که

دانشمندان ما از هزار سال پیش تاکنون با شکل ترجمه قرآن دست و پنجه نرم کرده‌اند، و تقریباً همه انواع آن را - از ترجمه کلمه به کلمه گرفته تا ترجمه شعرگونه آزاد - آورده‌اند و عاقبت دم فرو بسته و تن به قضا داده‌اند. اگر این بزرگان، علی رغم هنر بی‌مانندی که در کار ترجمه کسب کرده بودند، تن به ترجمه کلمه به کلمه قرآن می‌سپردند، البته بی‌جهت نبوده است، و نباید در این کار - چنان که امروز رسم شده - به چشم تحقیر بنگریم. در این گونه ترجمه، تنها خطری که مترجم به جان می‌خورد، همانا کار معادل یابی است که آن هم غالباً با احتیاط فراوان و گاه با وسواس انجام شده است. مثلاً برخی در مقابل *الرحمن علی العرش استوی* از صدها تفسیر و ترجمه رو بر می‌تابند و با نوعی وسواس می‌نویسند: «همانا خداوند بر عرش مستوی شد»!!

این ترجمه‌ها را هیچ‌گاه بی‌فایده نباید پنداشت: مترجمان که صد البته از کیفیت ناهنجار ترجمه‌هایشان آگاه بودند، گویی امید در آن می‌بستند که خواننده، به کمک الفاظ فارسی، معنی قرآنی را دریابد و سپس خود، میان ترکیب کلمات و ریخت عبارات قرآنی و فهم فارسی خود تلفیقی تازه نماید، یعنی خواننده به جای مترجم بیندیشد تا فرایند تبدیل پیام از عربی به زبان مقصد، در ذهن او پدید آید. در این کار شاید هیچ‌گاه جمله فارسی کاملی شکل نمی‌گرفت، اما خواننده از فضای روحانی و هنری و عاطفی کلام معجز خارج نمی‌شد و نیز به کمک کلمات فارسی، به معنی نزدیک می‌گردید. اگر این فایده - که کوشیدیم به زبان الکن بیان کنیم - نمی‌بود، بی‌تردید بزرگان ما آن کار عبث را هزار سال تجربه نمی‌کردند.

قطب مقابل این شیوه، ترجمه آزادی است که در آن، مترجم کوشیده است ایقاع و ضرب و آهنگ آیات الهی را به کمک قافیه و جناس و استعاره و



توازن نسبی میان پاره‌های عبارات... بازسازی کند. این ترجمه که نوعی شعر هجایی فارسی پنداشته شده (نک: پلی میان شعر هجایی و شعر عروضی پارسی، از مرحوم دکتر رجایی) به گمان بنده تجربه‌ای بی‌مانند، اما ناموفق بوده است.

کثرت ترجمه‌های کهن بی‌تردید نشانی از تعدد برداشت‌هاست. اگر باور داشته باشیم که بیشتر این استنباط‌ها از باورهای مذهبی افراد سرچشمه گرفته، پس هیچ‌گاه امیدی به متحد ساختن آنها نباید داشت.

دشواری‌های کار ترجمه را به طور کلی می‌توان در دو حوزهٔ متفاوت نهاد: یکی مادی و ملموس است و دیگر معنوی. مراد بنده از «مادی» (با اندکی تسامح) یا «فنی» مجموعهٔ اقداماتی است که در کار معادل‌یابی، ساختارپردازی، پیوند، ایجاد انسجام، قالب‌بندی کلی... و به طور کلی، فرایندهای لغوی و دستوری انجام می‌پذیرد. اما مراد از «معنوی»، همهٔ آن جریان‌های هنری و روحانی و عاطفی است که به اصطلاح امروزی‌ها باید در حوزهٔ فرازبانی مورد بررسی قرار گیرد.

به گمان بنده، یک ترجمهٔ پشتوانه دار، محققانه، نسبتاً پرخرج و احياناً گروهی، می‌تواند در حوزهٔ اول (مادی) ۸۰-۹۰ درصد موفق باشد؛ اما موفقیت آن در حوزهٔ دوم، هیچ‌گاه از ۴۰-۵۰ درصد در نخواهد گذشت. این برآورد شاید تحت تأثیر اطلاع‌دورادوری باشد که از ترجمه‌های پر زحمت و گاه بسیار عالمانهٔ تورات و انجیل به زبان‌های فرانسه و انگلیسی دارم.

موفقیت در مورد اول هم البته به تحقیقات گسترده‌ای نیاز دارد. در همان گام اول که فهم مفردات قرآنی است آیا نباید انبوهی کلمه را ریشه‌یابی کرد و معنای آنها را در فضای تاریخی - اجتماعی قرون ششم و هفتم میلادی فهمید؟ (در این باره خوب است بخش اول کتاب ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مطالعه شود). مثال بارز این مورد شاید کلمهٔ جاهلیت باشد که از هزار سال پیش به معنی نادانی ترجمه و فهمیده شده، حال آن‌که امروز گروهی از دانشمندان، از آن یک کنش اجتماعی - اخلاقی استنباط می‌کنند نه نادانی.

بنده قصد روده‌درازی ندارم، تنها می‌خواستم نشان دهم که این رشته سر دراز دارد. تازه هنگامی که به قضیهٔ ساختار و پیوند عبارات و انسجام متن می‌رسیم، کار از این هم دشوارتر می‌شود. با این حساب، چقدر به جاست که هر یک از گوشه‌های کار را به متخصصی بسپاریم تا پژوهش‌های لازم برای ترجمه زودتر فراهم آید.

حال فرض کنیم که در زمینه لغت، نحو، کلام، فقه، تاریخ، جغرافیا... کار به نتیجه‌ای مطلوب رسید و اینک می‌خواهیم دست به نگارش زیم. این جاست که طیف عاطفی - هنری، بیانی و سبکی، و فضای معانی استعاری - ایهامی - تلویحی مطرح می‌شود و کار گروهی را با مشکلی حل‌ناشدنی مواجه می‌گرداند. زیرا در این مورد، کار از حد دانش و تحقیق فراتر می‌رود و به دایره هنر، ذوق متعالی و حتی نبوغ پا می‌نهد.

متأسفانه هیچ معلوم نیست که از اجتماع دو ذوق متعالی، ذوق ثالث متعالی تری پدید آید؛ بلکه به عکس غالباً یکی، مانع پویایی آن دیگر شده است. به همین جهت، نمی‌توان به آسانی چند دانشمند صاحب هنر را واداشت که بر اساس پژوهش‌های انجام شده، تعبیر واحدی - که باید ترجمه نهایی باشد - از آیات الهی عرضه کنند. هر کس لاجرم معتقد است که ترجمه او به فضای هنری قرآن نزدیک‌تر است، خرده معانی و تلویحات را بهتر درک و بیان کرده، کوبندگی یا نرمی کلمات، و ایقاع و ضرب جملات، و حتی وزن و آهنگ آیات را بهتر عرضه نموده است.

خیلی ببخشید! در آغاز می‌پنداشتم که مقدمه‌ای در ۵-۶ سطر تقدیم کرده و به پاسخ‌گویی می‌پردازم. در عوض اجازه بدهید جواب‌ها را - چون خبر تازه‌ای برای گفتن ندارم - مختصراً عرض کنم و در پایان پیشنهادی بدهم.

ترجمه‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته، هر یک بی‌گمان گام عظیمی به پیش نهاده‌اند و در یک تحول سریع ۳۰ ساله سبکی پدید آورده‌اند که خاص زمان ماست. این سبک چندان استواری و استقلال یافته که حتی مرکز شما، که می‌خواهد با کاری جدی در پایان این خط قرار گیرد، چاره‌ای جز انتخاب آن نخواهد داشت. با این همه در اثنای مقدمه به عرض رسید که ترجمه‌های فارسی قرآن، خواه کهن و خواه معاصر، هنوز تا درجه کمال فاصله بسیار دارند و هنوز هر ایرانی، بر حسب ذوق و سلیقه خود به یکی از آنها دل خوش می‌کند. در این میان، کار جناب آقای خر مشاهی ویژگی خاصی دارد: اولاً ایشان، مانند مرحوم رهنما، پانوشت‌هایی بر ترجمه افزوده‌اند که هم خود ایشان را از خطر در امان داشته و هم خیال خواننده را راحت می‌کند؛ ثانیاً ایشان اطلاعات گسترده‌ای درباره قرآن در پایان کتاب نهاده‌اند که عموم خوانندگان را بسیار سودمند می‌افتد و حتی گاه متخصصان هم از آنها بهره می‌برند. اگر این تعلیقات مختصر شود (مثلاً یک چهارم) و سپس به تأیید دانشمندان علم فقه و کلام و لغت برسد، به راستی دلنشین خواهد گردید.

○ آقای مجتبوی

● اگر بخواهیم ترجمه‌های موجود را یکایک مورد بررسی و نقد قرار دهیم سخن دراز می‌شود. مترجمان قرآن کریم بنا بر نظر و عقیده‌ای که در ترجمه دارند با روش و شیوه یکسان به کار نپرداخته‌اند. مثلاً برخی می‌پندارند که اگر ترجمه‌ای دقیقاً مطابق متن باشد، آن ترجمه تحت اللفظی است، و حال آن که تحت اللفظی بودن ترجمه به این معنی است که فارسی کلمات را با همان ترتیب زبان عربی کنار هم بگذارند، هر چند نامفهوم باشد. به نظر این جانب ترجمه دقیق و صحیح که هیچ کلمه‌ای از متن رها نشود و عبارات و جملات مطابق متن و در عین حال مفهوم باشد، و کوشش شود که به فارسی صحیح و زیبا در آید، شایسته قرآن مجید است. یا مثلاً یکی از مترجمان قرآن تصریح کرده است که زبان عامیانه بهتر است تا زبان ادیبانه؛ در صورتی که بعضی دیگر چنین عقیده‌ای ندارند. بنابراین، برای داوری درباره موفق بودن یا نبودن، باید ترجمه‌ها با شرایط لازم این کار سنجیده شوند. ذکر این نکته در این جا ضروری است که مترجم برای درک معنی و مفهوم آیات باید به چند تفسیر معتبر مراجعه کند، خواه به ترجمه محض اکتفا کند یا توضیحات تفسیری هم داشته باشد (که البته برای خواننده روشن‌تر و مفهوم‌تر خواهد بود).

اما این که به ترجمه جدیدی نیاز هست یا نه، عرض می‌کنم که اگر ترجمه جدیدی فراهم شود که همه خوبی‌های ترجمه‌های موجود را داشته باشد و از لغزش‌ها و نارسایی‌های آنها برکنار و پاک و پیراسته باشد، البته کمال مطلوب است.

○ آقای استادولی

● این سؤال به دو بند تقسیم می‌گردد:

الف) ترجمه‌های موجود تا چه حد موفق بوده‌اند؟

ب) باز هم نیاز به ترجمه جدید هست یا نه؟

در مورد بند الف باید گفت: هر ترجمه‌ای باید از دو ویژگی دقت و زیبایی و روانی برخوردار باشد، و کمتر ترجمه‌ای از قرآن را می‌توان یافت که این دو ویژگی را در همه جا در خود گردآورده باشد. برخی نسبتاً دقیق‌اند ولی چندان روان و زیبا نیستند، و برخی به عکس. اگر بخواهیم آماری سخن بگوییم باید گفت: هر کدام در حدود ۸۰٪ هستند. در میان ترجمه‌های دقیق، ترجمه آقای دکتر مجتبوی که بنده افتخار ویراستاری آن را داشته‌ام، بلکه انصاف آن است که در حد شرکت در ترجمه ذی سهم بوده‌ام، در حدود ۹۰٪ تا ۹۵٪ از صحت و

دقت برخوردار است.

بند ب) نیاز به ترجمه جدید در هر زمانی احساس می‌شود؛ زیرا چنان که گفتیم اولاً ترجمه‌ها دقیق یا زیبا نیستند، ثانیاً جمع بین دقت و زیبایی نشده، ثالثاً برخی نیازهای دیگر ترجمه از قبیل شرح و توضیحات لازم در همه موارد تأمین نگردیده است. از این رو باید گفت: اکیداً نیاز به ترجمه جدید هست و هر چه در این زمینه کار بشود جا دارد.

○ آقای مصطفی ملکیان

● به این قسمت از سؤال که «ترجمه‌های موجود تا چه حدّ موفق بوده‌اند» نمی‌توانم جواب دقیقی بدهم؛ زیرا حدّ موفقیت قابل اندازه‌گیری و بیان کمی نیست و الفاظ دالّ بر مفاهیم ارزشگذارانه کیفی هم، به سبب ابهام‌گریز ناپذیری که دارند، وافی به مقصود نیستند و به هر گونه تفسیر درست یا نادرست مجال می‌دهند. همین قدر می‌توانم گفت که عدم توفیق ترجمه‌های موجود قرآن کریم آن قدر هست که به ترجمه جدیدی از این کتاب شریف نیازمند باشیم.

□ چنانچه زمینه برای پدید آوردن یک ترجمه

جدید مناسب است، آیا بهتر است این ترجمه به صورت فردی انجام پذیرد یا به صورت گروهی؟

○ آیه الله معرفت

● ترجمه باید به صورت گروهی انجام شود، گروهی متشکل از چند نفر که همگی از ابعاد و زوایای شریعت آگاهی کامل داشته باشند، ولی هر کدام در رشته‌ای متخصص باشند، در ادب، تاریخ، فقه، تفسیر و حتی از برخی علوم طبیعی و ریاضی که قرآن احیاناً به آنها اشارت دارد.

○ آقای خرمشاهی

● البته ترجمه فردی سیر خودش را در این هزار و صد سال تاریخ ترجمه فارسی قرآن کرده است، و به حدی فراتر از ۵-۶ ترجمه خوب معاصر که داریم و اشاره کردم نمی‌تواند برسد. ترجمه دسته جمعی راهی است که دیگر ملل هم برای ترجمه کتاب مقدس پیش گرفته‌اند و می‌توان از ترجمه تاریخی آنان هم درس گرفت، که شرحش را در پاسخ به سؤال‌های بعدی می‌آورم.

○ آقای آذرنوش

● در مقدمه به تفصیل بیان شد.

○ آقای مجتبوی

● در پاسخ این پرسش که ترجمه به صورت فردی بهتر است یا به صورت گروهی، می توان گفت که هر یک دارای ویژگی ها و خوبی ها و مزایایی است. اگر بتوان یک گروه هماهنگ و متناسب و همفکر و همدل برای این کار جمع کرد که همگی در دسترس (مثلاً در یک شهر) باشند و در جلساتی که در موعد مقرر تشکیل می شود شرکت کنند، البته بهتر است. لیکن در این فرض مشکلاتی وجود دارد یا ممکن است پیش آید که نتوان کار را تا رسیدن به

نتیجه ادامه داد. اما ترجمه فردی این حُسن را دارد که با کوشش و تلاش شخصی کار به ثمر می رسد. یاد آوری این نکته به جاست که اگر کسی ترجمه ای از قرآن کریم پدید آورد باید پیوسته در صدد رفع نقایص و لغزش های ترجمه خود باشد و در اصلاح عبارات و یافتن کلمات بهتر و در خورتر بکوشد و در چاپ های بعدی آنها را به کار برد. ناشران معمولاً به سختی زیر بار این بازنگری ها می روند، زیرا باید هزینه نسبتاً سنگینی را برای حروفچینی و فیلم و زینک مجدد تحمل کنند؛ در چنین موردی به جاست که از طرف نهادهایی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سازمان اوقاف حمایت و کمک شوند.

شاید نکته دیگری هم در ترجمه به صورت گروهی باید مورد توجه قرار گیرد و آن این است که اگر بنا شود از کسانی که در سال های اخیر ترجمه هایی از قرآن مجید پدید آورده اند، به دلیل آن که قاعدتاً بیشتر تجربه دارند و در جریان کارند، در آن گروه شرکت داده شوند، یا از ترجمه آنان به



نحو قابل ملاحظه‌ای استفاده شود، از آن جا که اینان ناشر و قراردادی دارند و حقوقی برای طرفین هست، باید دید چه وضعی پیش خواهد آمد و چه راه حلی برای رفع این مشکل می‌توان پیشنهاد کرد.

○ آقای استادولی

● تکروی در هیچ کاری مطلوب نیست و همیشه کار گروهی منسجم‌تر، پرمایه‌تر و دقیق‌تر صورت می‌گیرد. از این که قرآن کریم مخالفان خود را این گونه به مبارزه می‌طلبد که همه جمع شوند و ظهیر و پشتیان یکدیگر گردند تا قرآنی یا سوره‌ای یا آیه‌ای مانند آن بیاورند معلوم می‌شود کار گروهی به واقع نزدیک‌تر است، و اگر مبارزه قرآن کریم امکان داشت توسط گروه بهتر انجام می‌پذیرفت.

○ آقای مصطفی ملکیان

● در ترجمه هر نوشته یا گفته‌ای به هر زبانی، و از جمله در ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی، با دو دسته امور مواجهیم: یکی امور مربوط به واقع، مانند این که از فلان واژه وقتی که نویسنده یا گوینده آن را به کار برده چه معنایی اراده و فهم می‌شده است، فلان واژه که مشترک لفظی است در فلان جمله به کدام یک از معانی مختلفش استعمال شده است، و فلان واژه در فلان جمله فاعل است یا مفعول. در مورد این دسته از امور، کار ماسعی در جهت کشفِ واقعیات است و بس؛ و رجوع به کتبِ صَرف، نحو، لغت، و امثال اینها ما را در همین جهت مدد می‌رساند. دیگری امورِ مربوط به ذوق و سلیقه، از قبیل این که در ترجمه فلان واژه تعبیر «دوست» را به کار ببریم یا تعبیر «رفیق» را، غلط مصطلح را غلط بدانیم و استعمال نکنیم یا صحیح بدانیم و استعمال کنیم، و در ترجمه فلان جمله فاعل را مقدم بدانیم یا مفعول را. در این دسته از امور، چیزی را کشف نمی‌کنیم، بلکه، به تعبیری، جعل می‌کنیم؛ چون به جای آن که با اکتشاف سر و کار داشته باشیم گویی به اختراع دست می‌زنیم، رجوع به غیر خود نیز، اعم از اشخاص و مکتوبات، نمی‌کنیم. توجه به این که در فرآیند ترجمه با دو سنخ از امور، یکی ناظر به واقع و دیگری ناظر به ارزش، رو به روییم و تشخیص این که در هر مسأله و مشکلی که، در این فرآیند، رُخ می‌نماید با کدام یک از این دو سنخ دست به گریبانیم از اهمیّت فاطعی برخوردار است. این دو سنخ از امور با یکدیگر چندین تفاوت دارند؛ اما این جا مجال ذکر همه آن تفاوت‌ها نیست و از این رو، فقط به ذکر یکی از آن وجوه تفاوت می‌پردازم که جواب سؤال شما توقف تامی بر آن دارد.

در امور مربوط به واقع اگر دو کس با یکدیگر اختلاف نظر بیابند نزاعشان، از طریق رجوع به عالم واقع، لاقلاً نظراً و علی الأصول، فیصله پذیر است (اگر چه ممکن است، به جهاتی، نزاع عملاً فیصله نپذیرد). این رجوع به عالم واقع، به نوبه خود، می تواند به نحو مستقیم صورت پذیرد یا به نحو غیر مستقیم، مثلاً از راه رجوع به داوری که طرفین نزاع مرجعیت و حجیت اش را پذیرفته باشند. به هر تقدیر، رمز فیصله پذیری نزاع‌هایی که راجع به امور مربوط به واقع‌اند این است که در این گونه امور معیاری بیرون از طرفین نزاع وجود دارد که می تواند در میان متخالفان حکمیت کند. اما اگر در امور مربوط به ذوق و سلیقه میان دو کس اختلافی رخ دهد (که در باب تحقق همین مقدم قضیه شرطیه هم بحث و مناقشه‌ای هست) این اختلاف، حتی نظراً و علی الأصول، فیصله پذیر نیست، چرا که در این جا معیاری بیرون از طرفین نزاع در کار نیست تا داوری را بر عهده گیرد. در واقع، در این گونه امور دعوت از شخص ثالث برای قبول حکمیت چیزی نیست جز افزودن طرف دیگری بر طرفین نزاع، زیرا این شخص ثالث نیز کاری نمی تواند کرد جز اظهار ذوق و سلیقه خودش، که هر یک از دو طرف نزاع می تواند بپذیرد یا نپذیرد، و به هر حال، نزاع را از میان بر نخواهد داشت. حال، پس از ذکر این مطالب تمهیدی، می توانم گفت که، لاقلاً به نظر این بنده، در ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی، برای حل و رفع مسائل و مشکلات ناظر به امور مربوط به واقع، کار گروهی هم ممکن است و هم مطلوب: ممکن است، چون امور مربوط به واقع، بنا به همان توضیحی که گذشت، اموری آفاقی و عینی‌اند. یعنی معیاری بیرونی برای تعیین صحت و سقم‌شان هست و نزاع‌هایی که در باب آنها روی می دهند فیصله می پذیرند. از این رو، هر یک از اعضای گروه ترجمه می تواند، بسته به خُبر و یَت و تخصص که در یکی از علوم و معارف ذی ربط به کار ترجمه دارد، در اختلاف نظرهایی که در میان سایر اعضای گروه پیش می آید عهده‌دار نقیض داوری شود. و مطلوب است، چون دامنه علوم و معارف مربوط به امر ترجمه تا بدان جا گسترده است که یک تن، عاده، نمی تواند در همه آنها صاحب نظر باشد، و در نتیجه، از رجوع به جمعی که هر یک از آنان صاحب نظر یکی از آن علوم و معارف باشد گریز و گزیری نیست. از سوی دیگر، برای حل و رفع مسائل و مشکلات ناظر به امور مربوط به ذوق و سلیقه، کار گروهی نه ممکن است و نه مطلوب، زیرا این گونه امور اموری انفسی و ذهنی‌اند، و از این رو، در مورد آنها ترجیح یک قول بر قول دیگر نه امکان می پذیرد و نه مطلوبیت دارد.

حاصل آن که به نظر می‌رسد که شیوهٔ دُرست این باشد که گروهی که هر یک از افراد آن در یکی از علوم و معارف ذی ربط به ترجمهٔ قرآن کریم به زبان فارسی صاحب نظر باشد فراهم آید و همهٔ مسائل و مشکلات ناظر به امور مربوط به واقع را، که در چنین ترجمه‌ای پیش می‌آیند، به روشی علمی، ضابطه‌مند، و دقیق حل و رفع کند و آن گاه جمیع مواد و مصالح لازم، اعم از مطالب صَرْفی، نَحوی، لُغوی، تاریخی، و...، در اختیار یک شخص، که در امور مربوط به ذوق و سلیقه، یعنی در امور هنری و ادبی، از شَم قوی و ذوق سلیم برخوردار است، قرار گیرد تا وی مواد و مصالحی را که نتیجهٔ علم و معرفتِ افرادِ آن گروه است در صورت و قالبی زیبا گردآورَد و ترجمه‌ای عرضه کند که، حتّی المقدور، از ارزش‌های مثبت زیبایی شناختی حظّ وافر داشته باشد، ترجمه‌ای که موادِ درستِ آن حاصل کار گروهی است و صورتِ زیبایِ آن محصول کار یک تن.

□ در صورتی که ترجمهٔ مورد نظر بخواهد گروهی انجام شود به چند نفر نیازمند است؟ و اعضای گروه باید از چه تخصص‌هایی برخوردار باشند؟

○ آیه الله معرفت

● کیفیت انجام ترجمه باید بدین صورت باشد که اولاً ترجمه‌هایی را که تا به حال صورت گرفته فراهم کنند و همگی را مورد مطالعه قرار دهند و نکات و ظرایفی را که هر یک دارا می‌باشند در نظر بگیرند، ضمناً از اشتباهات آنها اطلاع یافته دچار آن نگردند.

○ آقای خرمشاهی

● چنان که هم در پاسخ به سؤال اول و هم در مقالهٔ پیشگفتهٔ خود آورده‌ام، بنده ۲۲ گروه تخصصی را پیشنهاد کرده‌ام که در این جا فهرست وار یاد می‌کنم:

۱) گروه سرپرست یا مدیران طرح، متشکل از برجسته‌ترین قرآن پژوهان و قرآن شناسان ایران (و در این جا می‌افزایم که خوب است از تجربه و مشارکت قرآن پژوهان و قرآن شناسان فارسی زبان از اهل سنت یعنی علمای اعلام قرآن پژوه کردستان و بلوچستان کشور خودمان هم کمال استفاده به عمل آید).

۲) گروه مشاوران صاحب نظر در علوم و معارف اسلامی و قرآن شناسی و ترجیحاً مترجم قرآن برای مشاورهٔ همه جانبه، چه با گروه سرپرست و مدیران اجرایی و چه با

- یکایک گروه‌های تخصصی.
- (۳) گروه علوم و فنون قرآنی، متشکل از تعدادی متخصص که هر یک در یکی از علوم قرآنی متخصص باشد.
- (۴) گروه تاریخ صدر اول اسلام، و سیره شناسی.
- (۵) گروه صرف و نحو و اشتقاق.
- (۶) گروه لغت و متخصص در مفردات قرآن و غریب القرآن.
- (۷) گروه متخصص در کتاب شناسی قرآن و نیز در مرجع شناسی و کتاب شناسی و کتابداری.
- (۸) گروه متخصص در حدیث.
- (۹) گروه متخصص در زبان و ادبیات عرب و علوم بلاغی و نیز شعر و ادب عصر جاهلیت.
- (۱۰) گروه متخصص در زبان و ادبیات فارسی.
- (۱۱) گروه متخصص در ترجمه به طور کلی، و ترجمه از زبان عربی به طور خاص، با یک دو عضو زبان شناس.
- (۱۲) گروه متخصص در فقه مذاهب پنجگانه اسلامی.
- (۱۳) گروه متخصص در اصول فقه مذاهب مختلف اسلامی.
- (۱۴) گروه متخصص در علم کلام و عقاید و فرقه‌های اسلامی.
- (۱۵) گروه متخصص در تفسیر قرآن به طور عام، و در تفسیر قرآن به قرآن به طور خاص.
- (۱۶) گروه متخصص در کتاب مقدس (عهدین).
- (۱۷) گروه ویراستاران و مقابله‌گران (برای مقابله ترجمه با نص مقدس قرآن کریم که احتمال افتادگی حتی یک واو در ترجمه نیز منتفی شود).
- (۱۸) گروه ویراستاران و مقابله‌گران (برای مقابله ترجمه نهایی با چند ترجمه منتخب فارسی).
- (۱۹) گروه متخصص (و در عین حال قرآن شناس) در زبان‌های دیگر از جمله اردو، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، روسی، ایتالیایی).
- (۲۰) گروه پنجاه نفری از خوانندگان پیشتاز (برای خواندن ترجمه آماده شده نهایی، پیش از چاپ).
- (۲۱) گروه تهیه و تدوین جامع التراجم یا مجمع التراجم که ۱۰ - ۲۰ ترجمه کهن یا جدید

فارسی را یک کاسه کند و در اختیار همه گروه‌ها قرار دهد، برای آن که مبنا و مجال مقابله و به‌گزینی در مورد هر کلمه یا تعبیر داشته باشند.

۲۲) گروه آماده ساز ترجمه نهایی برای تولید (حروفچینی و چاپ). تعداد اعضای هر گروه ۳ تا ۵ نفر پیشنهاد می‌شود. و البته قابل افزود و کاست است.

○ آقای آذرنوش

● در فصلنامه مترجم (سال سوم، ش ۱۰، ۱۳۷۲)، سرکار خانم شهره شاهسونندی مقاله زیبایی درباره ترجمه قرآن و دشواری‌های آن نوشته که حتماً در کتابخانه «مرکز ترجمه...» موجود است. روند منطقی و خردمندانه مقاله به این جا می‌انجامد که کار ترجمه باید دسته جمعی صورت گیرد. از آن بهتر گفتار محققانه جناب آقای خرمشاهی در تعلیقات ترجمه اوست. چارچوبی که ایشان آورده‌اند، همان است که مترجمان کشورهای دیگر تدارک دیده بوده‌اند و از آن گریزی نیست. جز این که برای تعیین تخصص‌های لازم - به استثنای چند مورد که بدیهی است - بهتر است با شکیبایی و دوراندیشی اقدام شود. مثلاً یک متخصص سامی شناس چقدر برای کار ترجمه مفید است؟ یا یک زبان‌شناس چگونه باید باشد و چه می‌تواند بکند؟...

○ آقای مجتبوی

● مسلماً تعداد زیاد افراد برای ترجمه گروهی نه تنها سودمند نیست بلکه زیان آور هم است؛ اختلاف آرا و سلیقه‌های گوناگون مانع پیشرفت کار است و تصمیم‌گیری را دشوار و اشخاص گروه را ناخرسند می‌کند. به نظر این جانب سه تا پنج نفر برای این کار کافی است: یک یا دو نفر مسلط در علوم ادبی عربی، یعنی صرف و نحو و معانی و بیان و لغت، و یک یا دو نفر که تفاسیر مهم و معتبر شیعه (تفسیرهای مجمع البیان و جوامع الجامع، ابوالفتوح رازی، المیزان و...) را مطالعه کرده و با آنها آشنا باشند، و نیز دو سه تفسیر از اهل تسنن (مثلاً کشف زمخشری، تفسیر بیضاوی و...) را دیده باشند، و در حین کار به آنها مراجعه کنند. بدیهی است که اخبار و روایاتی که در تفسیر قرآن از ائمه اطهار رسیده باشد باید پس از بررسی و تحقیق و تشخیص صحت و اعتبار آنها، به خصوص درباره آیاتی که با آنها رفع مشکل و مطلب روشن می‌شود، مورد نظر باشد و در صورت لزوم عیناً به عنوان توضیح ذکر شود. یک نفر هم که در فارسی نویسی صحیح و شیوا، آگاه و خوش ذوق باشد ضروری است. این شخص باید چند ترجمه نسبتاً خوب قرن‌های گذشته و چند ترجمه بهتر معاصر را در دسترس و پیش‌رو

داشته باشد و در مشکلات یا در موارد مشکوک و مردّد به آنها مراجعه و به گزینی کند؛ منتها، اگر این استفاده به نحو گسترده انجام گیرد، و به خصوص اگر از ترجمه‌های اخیر باشد حق و عدل و انصاف این است که از آنها یاد شود.

○ آقای استادولی

● الف) حداقل باید توسط چهار نفر که دو به دو هم سطح و تراز یکدیگر باشند انجام گیرد (و تعداد هر چه بیشتر بهتر، البته در حد معقول) دو نفر برای ترجمه و دو نفر برای زیباسازی.

ب) نیازمندی‌های ترجمه قرآن کریم بسیار است و معمولاً در سخنان و مقالات اهل فن آمده است. به نظر می‌رسد اهم آنها بدین قرار است:

- ۱) دقت کافی و وسواس لازم و توجه تام و تجمع خاطر و پرهیز از پریشان خاطری.
- ۲) تسلط نسبی بر ادبیات عرب و ادبیات زبان مقصد به اندازه نیاز متنی آنچنان حساس و ادبی، و آشنایی با واژه‌های اصیل و روزمره و زبان زمان. البته مراد از ادبیات، مجموعه ادبیات است از صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع و لغت و شعر و امثال و جزآن، که متأسفانه بسیاری از اغلاط ترجمه‌ها زائیده ضعف ادبی است.
- ۳) هوش و سلیقه؛ بدین معنا که مترجم اگر مطلبی از متن فهمید همان را فوراً منعکس نکند، بلکه بسنجد که آیا مطلب درست است یا نه، و اگر ایرادی در مطلب دید در فهم خود شک کند و به دنبال معنای صحیح عبارت برود. در این زمینه نمونه‌های بسیار از اغلاط وجود دارد که این جا جای ذکر آنها نیست. گاهی به کاربردن یک لفظ که در طول زمان معنای دیگری پیدا کرده در معنای اول آن، ترجمه را از متانت می‌اندازد و سخیف و زشت و احیاناً خنده‌آور جلوه می‌دهد.
- ۴) استفاده از تفاسیر و آگاهی از مکاتب تفسیری.
- ۵) آشنایی مترجم با علوم اسلامی در حوزه اسلام مانند: حدیث، تاریخ، جغرافی، اعلام و کتاب‌ها تا بتواند از متن قرآن کریم و تفاسیر استفاده کند، به ویژه آن که باید قدرت تشخیص درست از نادرست را داشته باشد. مثلاً اگر حدیثی آیه را به گونه‌ای خاص بیان کند، بداند که آیا حدیث درست است یا نه، با ظاهر آیه مطابقت دارد یا نه، قابل جمع با مفهوم آیه هست یا نه، و از این قبیل.
- ۶) قدرت تتبع و آشنایی با اقوال گوناگون و صاحب نظر بودن در اختلاف اقوال، تا بتواند

قول درست را انتخاب کرده و آیه را مطابق آن ترجمه کند.

(۷) روحیه زیبا نویسی داشتن و بدون تکلف خوب نوشتن.

(۸) دارا بودن ویژگی‌های یک محقق، که با روحی سالم و قلبی سلیم و اعتقادی پاک و نیتی الهی و حق‌گرایانه دست‌بدین کار زند.

○ آقای مصطفی ملکیان

● علوم و معارفی که تخصص در آنها برای گروه ترجمه لازم و اجتناب‌ناپذیر است عبارتند از: زبان‌شناسی، معنا‌شناسی، صرف، نحو، لغت، علوم بلاغی، تاریخ عمومی عرب جاهلی و علی‌الخصوص تاریخ اندیشه و فرهنگی این قوم، تاریخ اسلام از بعثت پیامبر گرامی (ص) تا رحلت وی. هیأت تألیفی گروه ترجمه باید چنان باشد که مجموع این تخصص‌ها در آن وجود داشته باشد، اما تعیین شماره افراد گروه، از سر دقت، برایم مقدور نیست. ضمناً شاید نیازی به گفتن هم نباشد که مُراد از این که در گروه مذکور باید تخصص‌های پیشگفته جمع شده باشند این نیست که یک‌یک افراد باید همه این تخصص‌ها را واجد باشند. این امر ممکن نیست و اصلاً فلسفه تشکیل گروه ترجمه ناشی از همین واقعیت است که در یک تن همه این خبرویت‌ها جمع‌شدنی نیست. همین قدر کافی است که هر یک از افراد در یکی از آن علوم و معارف متخصص و صاحب نظر باشد.

□ چه منابعی الزاماً باید مورد استفاده قرار

گیرد؟

آیه الله معرفت

علاوه بر تراجم قدماء، باید از تفاسیر معتبر مورد اتفاق شیعه مانند بیان، مجمع البیان، روض الجنان و المیزان و احیاناً تفاسیری از قبیل: فخر رازی، بیضاوی و کشاف نیز استفاده شود.

○ آقای خرمشاهی

● ۱. ترجمه‌های دیگر (به فارسی و زبان‌های دیگر).

۲. مهم‌ترین تفسیرهای موجود که دست‌کم صد دوره خواهد بود به عربی و فارسی و زبان‌های دیگر.

۳. کتب لغت خاص قرآن (در حدود ۱۰۰ کتاب است) و کتب لغت عربی-عربی و عربی-فارسی (در حدود ۵۰ کتاب).

۴. مراجع لازم از تاریخ صدر اول و سیره نبوی و منابع فقه و اصول فقه و حدیث و

کلام و عرفان.

۵. و اصولاً یک کتابخانه مجهز قرآنی-اسلامی با حداقل ۵۰۰۰ کتاب دستچین شده لازم است.

○ آقای آذرنوش

● درباره منابع لازم، شاید به هزاران کتاب در لغت، تاریخ، جغرافیا، فقه، کلام، زبان‌شناسی، نحو عربی، دستور فارسی... نیاز باشد. اما یک شاخه باید به ترجمه‌های کهن و معاصر فارسی (حتی نسخه‌های خطی) اختصاص داده شود و یک شاخه به ترجمه‌های بیگانه که بسیار ضروری است، و خلاصه یک شاخه به علوم خاص قرآنی که شاید مهم‌ترین شاخه‌ها باشد.

○ آقای مجتبوی

● اگر قرار باشد که ترجمه مورد نظر را گروهی انجام دهند، همان هیأت مترجم منابع را معین می‌کند؛ ذکر منابع فعلاً چندان ضروری نیست. در شماره ۳ به دانش‌های لازم اشاره و از برخی تفاسیر نام برده شد.

○ آقای استادولی

● کتاب‌های لغت، کتاب‌های غریب القرآن و الحدیث، فروق اللغة، کتاب‌های تفسیر ادبی، تفاسیر قرآن با قرآن (مانند المیزان) تفاسیر روایی شیعی، زیرا در کتب حدیث عامه احادیث جعلی و اسرائیلی فراوان دیده می‌شود که با شأن خداوند متعال و انبیا علیهم السلام سازگار نیست. البته شراره‌هایی از این آتش سوزان به برخی از احادیث شیعه نیز رسیده است ولی معمولاً مؤلفان کتب حدیث شیعه توضیحاتی درباره آنها دارند.

○ آقای مصطفی ملکیان

● طبعاً همه منابعی که به نحوی از انحاء، با علوم و معارفی که در جواب سؤال پیش بدان‌ها اشاره شد ربط و نسبتی دارند محل رجوع می‌توانند بود.

□ چه نمونه‌هایی از کار دسته جمعی (موفق یا ناموفق) در ترجمه یک متن (مذهبی یا غیر مذهبی) می‌شناسید؟

○ آیه الله معرفت

● ترجمه‌های دسته جمعی که از قرآن شده، مخصوصاً آنچه بر دست اجانب انجام گرفته

ناقص یا منحرف است و بایستی ترجمه‌های صحیح و در عین سادگی قوی و متین و گویای محتوای اصیل قرآن فراهم شود.

○ آقای خرمشاهی

● نمونه‌های موفق در فرهنگ خودمان یکی ترجمه تفسیر طبری در اواسط قرن چهارم هجری است و دیگر ترجمه مرحوم رهنما در عصر جدید و ترجمه آقای فولادوند که دست کم ۶ ویراستار و اصولاً گروه ویراستاری داشته است. در غرب نمونه‌های قدیم و جدید برای ترجمه دسته جمعی کتاب مقدس بسیار است از جمله:

(۱) ترجمه سبعینی یا هفتادی برای عهد قدیم، در ۳ قرن قبل از میلاد با شرکت ۷۰ یا ۷۲ تن از علمای یهود در اسکندریه (نک: «ترجمه هفتادی» در دایرة المعارف فارسی).

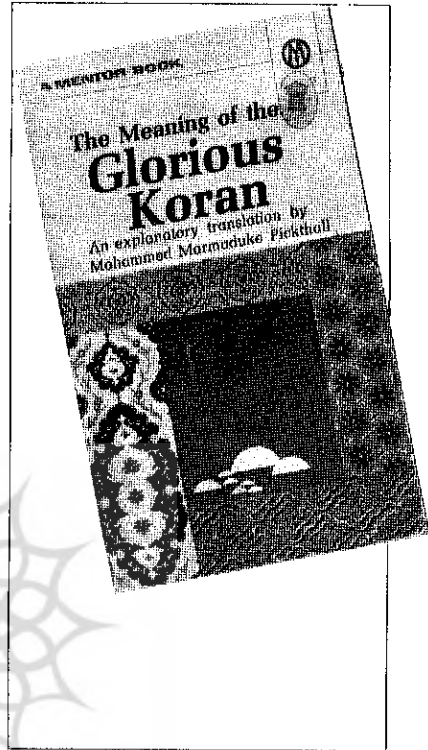
(۲) ترجمه معروف به روایت کینگ جیمز در انگلستان در اوایل قرن ۱۷، با شرکت حدوداً ۵۰ مترجم و پژوهنده کتاب مقدس و نشر نویس و غیره.

(۳) همکاری مشترک علمای انگلیسی و امریکایی برای اصلاح و بازنگری ترجمه کینگ جیمز، که در حدود ۱۱ سال از ۱۸۷۰ تا ۱۸۸۱م به طول انجامید و آن متن با کمک عده‌ای (نامعلوم) از صاحب نظران، با اصلاح ۳۰ هزار مورد، ویراسته شد و در سال ۱۸۸۱ به طور همزمان در انگلستان و آمریکا منتشر شد.

(۴) در سال ۱۹۵۲م. پس از تلاش چند ساله ده‌ها دانشمند از ۲۰ دانشگاه و حوزه علمیه در آمریکا، ترجمه معیارین و تجدید نظر شده روایت امریکایی ترجمه کتاب مقدس انتشار یافت. و این کوشش‌های دسته جمعی در اروپا و آمریکا هر ده - بیست سال یک بار انجام می‌گیرد.

○ آقای آذرنوش

● در زمینه کار دسته جمعی (ترجمه قرآن) بنده تنها ترجمه معروف به ترجمه تفسیر طبری را



(که بنده آن را ترجمهٔ رسمی می‌خوانم) می‌شناسم. در کتاب خود تاریخ ترجمه از عربی به فارسی، حدود ۶۰ صفحه به آن اختصاص داده‌ام. آقای خرمشاهی، ترجمهٔ رهنما را هم به نوعی، ترجمهٔ گروهی خوانده است.

در زمینهٔ کارهای غیر مذهبی، تنها اثر مهمی که پیوسته نظرم را جلب کرده، کتاب نامهٔ دانشوران است. این کتاب اگر چه نام تألیف دارد، اما اساساً ترجمه است و سه تن در آن کار شرکت داشته‌اند. یکی از این سه تن، دانشمند زیر دستی بوده و ترجمه‌هایش، از نظر صحت و شیوایی، در شمار شاهکارهای ترجمهٔ فارسی قرار دارد. ترجمه‌های یکی دیگر از ایشان نارسا و گاه مغلوط است. به عبارت دیگر این کتاب ویراستار نداشته است.

○ آقای مجتبوی

● نمونه‌هایی که سراغ دارم بیشتر سلسله مقالات یا فصولی است از یک کتاب مفصل که چند مترجم، هر یک مقاله یا فصلی را به عهده گرفته‌اند. در این نوع ترجمه، شیوهٔ نگارش و سلیقهٔ مترجم زبانی به برگرداندن و مفهوم شدن کتاب وارد نمی‌کند. اما در ترجمهٔ متن واحد، مانند ترجمهٔ قرآن، سراغ ندارم که چند نفر در عین حال با هم کار کرده باشند.

○ آقای استادولی

● چیزی در نظر ندارم.

○ آقای مصطفی ملکیان

● چون مرادتان از «متن» اعم از متون دینی و متون غیر دینی است و چون به هر ترجمه‌ای که در آن مترجم بیش از یک تن، یا لااقل بیش از دو تن، باشد «ترجمهٔ دسته جمعی» می‌توان اطلاق کرد، باید گفت که نمونه‌های ترجمهٔ دسته جمعی یک متن بیش از آنند که در این مجال، قابل احصا باشند.

□ چنانچه در مورد تشکل این گروه و کیفیت و کمیت و سایر شرایط مربوط به آن طرحی دارید لطفاً مرقوم فرمایید.

○ آیهٔ الله معرفت

● ترجمه باید به صورت نیمه آزاد انجام گیرد، نه تحت اللفظی و نه کاملاً آزاد که به تفسیر بیشتر شباهت دارد، زیرا مردم می‌خواهند از نص خود قرآن بهره بگیرند، نه از آنچه یک مفسر درک کرده و در اختیار آنان قرار داده است.

○ آقای خرمشاهی

● چنانکه معروض افتاد، بنده برای نخستین بار در ایران، طرح ترجمه دسته جمعی قرآن کریم را ارائه کرده‌ام که در مؤخره ترجمه‌ام از قرآن کریم آمده است، در آن جا شرح و بسط بیشتری در مورد جزئیات آورده‌ام.

○ آقای آذرنوش

● درباره کیفیت و کمیت گروه طرحی ندارم، اما یادآور می‌شوم که از چند قرن پیش، اروپاییان برای ترجمه تازه‌تر از کتاب مقدسشان (تورات و انجیل)، انجمن‌ها تشکیل داده‌اند و «کتاب مقدس» را بارها، بر حسب اعتقادات فرقه‌های گوناگون مسیحی، به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و آلمانی ترجمه کرده‌اند. حتی ترجمه عربی آن هم گروهی صورت گرفته (البته یکی از ترجمه‌ها)؛ نیز چند سال است که می‌شنوم گروهی متخصص زبان‌های فارسی، عربی، اروپایی (در فرانسه یا در جای دیگر نمی‌دانم) به ترجمه مجدد کتاب به فارسی دست زده‌اند. در اواسط قرن ۲۰ یک گروه بزرگ آمریکایی مرکب از ده‌ها متخصص، برای ترجمه کتاب، انبوه عظیمی تحقیقات باستان‌شناختی و زبان‌شناختی و تاریخی و غیره انجام داد و در اثر آن، مقالات بسیار متعددی، خاصه در زمینه علم ترجمه (یا هنر ترجمه) در مجلات تخصصی جهان منتشر گردید.

بنده پیشنهاد می‌کنم در این باره تحقیق شود تا شاید مجموعه تحقیقات آنان به دست آید و تجربه‌شان مورد استفاده مرکز شما قرار گیرد.

در پایان اجازه بدهید پیشنهادی تقدیم کنم. اگر پیشنهاد مورد قبول دانشمندان قرار گرفت، می‌توان بعداً طرحی برای آن تدارک دید.

از آن جا که مردم از نظر دانش و اطلاعات فارسی دانی و ذوق و سلیقه مختلف‌اند، آیا نمی‌توان ترجمه‌هایی درخور هر طبقه فراهم آورد؟ اگر باور داشته باشیم که تهیه یک ترجمه کمال یافته و نهایی — شبیه به کلام الهی — محال است، پس چه عیب دارد که ترجمه‌ای ساده برای چند میلیون جوان ایرانی، ترجمه‌ای عالمانه اما به زبانی روان برای تحصیل کرده‌ها (مثلاً مهندسان و پزشکان) و خلاصه چند ترجمه ادیبانه و هنرمندانه برای متخصصان و ادیبان داشته باشیم؟

○ آقای مجتبوی

● پاسخ این پرسش در جواب سه سؤال اول اجمالاً آمده است.

○ آقای استادولی

● کیفیت کار گروهی ترجمه قرآن به قرار زیر مطلوب است:

کار توسط مدیریت اجرایی به گروه مترجمان دقیق که وظیفه آنها ارائه یک ترجمه دقیق است سپرده می‌شود. پس از ترجمه گروه، ویراستاران زیباسازی، آن را بازبینی نموده و به اصلاح عبارات می‌پردازند. سپس کار به مترجمان اصلی عودت می‌شود تا ببینند در جایی دقت فدای زیبایی نشده باشد. آن‌گاه نشست مشترکی میان مترجمان و ویراستاران زیباسازی انجام می‌شود، و پس از تکمیل، ترجمه به متخصصان علوم اسلامی اگر دارای مهارتی بیش از مترجمان هستند سپرده می‌شود و باز در نهایت به دست مترجمان رسیده و از آن جا به مدیریت اجرایی مرجوع می‌گردد.

این بود آنچه عجالتاً به خاطر فاطر در حال دل مشغولی فراوان رسید. خداوند توفیق بیشتر مرحمت فرماید و نام ما را در زمره خادمان قرآن کریم ثبت فرماید.

○ آقای مصطفی ملکیان

● اولاً: چنان که از پاسخ‌های پرسش‌های پیشین نیز بر می‌آید تشکیل گروه ترجمه قرآن کریم بدین قصد نیست، و نباید باشد، که این کتاب شریف را تجزیه و تقطیع کنیم و ترجمه هر جزء و قطعه آن را به کسی بسپاریم، بلکه مقصود این است که از آگاهی‌های هر یک از افراد گروه، در حیطه تخصصی خودش، در فرآیند ترجمه کل این کتاب شریف بهره جسته شود. ثانیاً: آنچه ملاک‌گزینش هر یک از افراد گروه باید باشد تخصص در یکی از دانش‌های ذی ربط، دقت نظر، و روحیه علمی است که حق طلبی را می‌توان یکی از مهم‌ترین خصایص آن شمرد. از هر کسی که این سه شرط را واجد است و امکان عملی عضویت در این گروه را نیز دارد استقبال باید کرد. و از کسی که فاقد حتی یکی از این شروط سه‌گانه است دعوت نباید کرد. روحانی بودن یا نبودن، دانشگاهی بودن یا نبودن، شهرت داشتن یا نداشتن، کثیر التالیف بودن یا نبودن، وابسته به فلان جناح سیاسی بودن یا نبودن و امثال این امور را ملاک انتخاب و عدم انتخاب مگیرید که بزرگ‌ترین آفت و خوره کار علمی و تحقیقی گروهی همین است.

ثالثاً: به نظر می‌رسد که اگر، در طول مدت این کار گروهی، گروه از طریق نشریه یا نشست‌های علمی با کسانی که عضو گروه نیستند به تعاطی و تبادل فکری بپردازد در چند و چون نتیجه کار اثر مثبتی عاید شود. والله ولی التوفیق.